

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی علیه السلام - 17 امرداد/ 1385

بسم الله الرحمن الرحيم

میلاد مسعود امیر مؤمنان و امام پرهیزگاران و ستاره ی درخشان آسمان عدل و انصاف و انسانیت، علی ابن ابی طالب (علیه الصلوة والسلام)، را به همه ی امت اسلامی و به ملت عزیز ایران و بخصوص به شما حضار محترم، که از نقاط مختلف تحمل زحمت کردید و این جلسه ی شیرین و باشکوه را تشکیل دادید، تبریک عرض می کنم.

محبت به امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) و ارادت به این مرد بزرگ تاریخ بشریت و تاریخ اسلام، نه مخصوص شیعیان است، نه حتی مخصوص به قاطبه ی مسلمانان؛ بلکه این چیزی است که آزادگان عالم در آن با مسلمانان شریکند. شما می بینید که شخصیتهایی که مسلمان هم نیستند، درباره ی این چهره ی درخشان و خورشید تابناک اظهار ارادت می کنند، کتاب می نویسند، شعر می گویند. خیلی خطاست اگر امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب در بین مسلمانان يك وسیله ی اختلاف قرار بگیرد. آن بزرگوار شخصیتی است که همه ی مسلمانان و همه ی فرق اسلامی نسبت به او با همه ی وجود و با دل و جان، ارادت و محبت می ورزند. این علاقه و محبت از برجستگیها و صفات و خصال ناشی می شود که هر انسان منصفی در مقابل این خصال، خاضع است؛ قدر جامع و قدر مشترک، این است.

ایمان مخلصانه، جهاد فداکارانه، ذوب شدن در امرونهی الهی، اطاعت و عبودیت مطلق در مقابل خداوند، بی اعتنائی به زخارف دنیوی و جهات مادی، رحم و انصاف و عدالت نسبت به عموم مردم، نگاه عطوفت آمیز به مظلومان، به ضعیفان، به مستضعفان، ایستادگی و قاطعیت در مقابل دشمنان دین، رفتن به دنبال وظیفه در همه ی شرائط و با هر گونه سختی و دشواری؛ اینها کلمات حکمت آمیزی است که بشر دیروز و امروز و فردا به این کلمات نیازمند است. نهج البلاغه ی امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) درس همیشگی بشریت است. این شخصیت ظاهری امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) است که چشم کوتاه بین ما می تواند آن را ببیند و حس کند و زیبایی های آن را ادراک کند. ابعاد معنوی و قدسی و ملکوتی، مخصوص قدیسمین و مخصوص صدیقین است، که آنها می بینند؛ و چشمهای ما توانایی ندارد که مانند اولیاءالله و بندگان مقرب الهی آنها را درک کنند. امروز سالگرد ولادت يك چنین شخصیتی است و البته عید است.

طلوع هر ستاره یی در آسمان تاریخ بشر برای انسانها يك عید است. ولادت هر يك از برجستگان بشریت، از اولین و آخرین، آن کسانی که راه سعادت را در مقابل مردم باز کردند و در این راه تلاش کردند، يك عید جداگانه برای انسانهاست. این عید برای مسلمین همیشگی است.

ما امروز بعد از گذشت قرنهای متمادی، با این عید، با این پدیده، چگونه باید برخورد کنیم؟ اسم علی را بردن، که کافی نیست؛ خود را منتسب به او دانستن، که کفایت نمی کند؛ ما که شخصیتهای بزرگ تاریخ و پیشوایان دینی و انبیاء و اولیاء را فقط به عنوان یادگارهای تاریخی نمی شناسیم؛ اینها درسند؛ اینها الگویند؛ اینها دستگیر و راهنمای قدم به قدم زندگی اند. ما چه درسی از اینها می گیریم؟ این، مهم است. امروز امت اسلامی از امیرالمؤمنین و از وجود مکرم نبی اعظم اسلام (صلی الله علیه وآله) و از دیگر بزرگان راه روشن الهی چه درسی را باید بگیرد؟ کدام سرمشق را در زندگی باید عمل کند؟ این، مهم است. با این نگاه، به امیرالمؤمنین باید نگاه کرد.

آنچه مسلم است، این است که اینها مظهر تلاش در راه خدا و دین او بودند. «اشهد انك جاهدت في الله حق جهاده و عملت بكتابه و اتبعت سنن نبيه صلى الله عليه و آله»؛ شهادت می دهیم که او جهاد در راه خدا را به صورت شایسته انجام داد. این، چیزی است که ما در زیارت امیرالمؤمنین و بقیه ی ائمه (علیهم السلام) می خوانیم. این جهاد همیشه بر دوش ما هست. جهاد علمی، جهاد عملی، جهاد در دوران جنگ، جهاد در دوران صلح، جهاد با نفس، جهاد با دشمن بیرونی، جهاد با مال، جهاد با جان، جهاد با زبان؛ اینها درس است. کاری که می کنید برای اعتلاء دین یا اعتلاء امت اسلامی، جهاد است؛ درسی که می خوانید برای رسیدن به ارتقاء عمومی ملت اسلامی و امت اسلامی، جهاد است؛ تلاشی که می کنید برای ایجاد همدلی و محبت بین آحاد امت اسلامی و یکپارچگی آنها، جهاد است؛ وقتی با تمایلات اغواگرانه ی شیطانی در درون خودتان مبارزه می کنید، جهاد است؛ هنگامی که دشمنان خدا و دین و قرآن را در دل یا در زبان و یا در عمل خود دشمن می دارید، جهاد فی سبیل الله است؛ اینها درس امیرالمؤمنین و درس اولیاء دین است - جهاد، فقط مخصوص میدان جنگ نیست - و امت اسلامی به خاطر فراموش کردن مجاهدت در راه خدا به وضعیت اسفبار امروز رسیده است.

امت اسلامی پیشرو علم و مدنیت و اخلاق و گسترش نشانه های انسانیت در دورانهای طولانی در تاریخ بود. امروز امت اسلامی دچار تفرقه است، دچار ضعف است، دچار عقب ماندگی است؛ کفار و دشمنان دین در سیاست و در امور زندگی او دخالت می کنند؛ به او ظلم می کنند و او نمی تواند از خودش دفاع کند. این، ضعف و انحطاط دنیای اسلام بر اثر فراموش کردن مجاهدت در راه خداست. نمی گوئیم چرا شمشیر دست نگرفته اید و وقت و بی وقت با دشمن نجنگیده اید - جنگ هم یکی از انواع جهاد است - می گوئیم ما چرا از شناسایی دشمن غافل شده ایم؟ از نقشه های دشمن غافل شده ایم؟ از کید دشمن غافل شده ایم؟ چرا فریب دشمن را خورده ایم؟

امروز روز سیزدهم رجب و روز عید است؛ اما دل ما در حقیقت عید ندارد؛ چون پیکر امت اسلامی خون آلود است. به لبنان نگاه کنید و ببینید چه خبر است؛ به فلسطین نگاه کنید و ببینید در فلسطین چه می گذرد؛ به عراق نگاه کنید؛ به افغانستان نگاه کنید؛ امت اسلامی نمی تواند دلخوش باشد. این، ضعفهای ماست.

در همین روزها، دو پدیده ی تلخ در امت اسلامی ظاهر شد، که هر کدام از این دو، جا دارد که مسلمان را به فکر فرو ببرد؛ امت اسلامی بایستی خود را ملامت کند؛ و توبه کند. یکی از دو پدیده، همین فجایعی است که در لبنان و در فلسطین پی در پی انجام می دهند. الان نزدیک یک ماه است که گرگ درنده ی وحشی آدمیخوار صهیونیست به جان مردم لبنان افتاده است؛ از «حزب الله»، مجاهد فی سبیل الله، تودهنی می خورد؛ ولی بر روی سر کودک مسلمان در «قانا» و در بقیه ی نقاط لبنان بمب می ریزد؛ با رزمندگان مجاهد فی سبیل الله نمی تواند مقابله کند؛ شکست می خورد؛ تلافی اش را سر مردم بی گناه، انسانهای مظلوم، کودکان، خانه های مردم، زیربناهای کشور، در می آورد. این، يك مصیبت بزرگ است. مثل همین، در «غزه» و در بقیه ی مناطق فلسطینی نشین در جریان است. این، آن چیزی است که باید همه ی مسلمانها را هشیار کند و به خود بیاورد. دنیای استکبار و کفر هم نه فقط ساکتند، بلکه رفتاری و گفتاری از آنها سر می زند که متجاوز و ظالم را تشویق می کند؛ امریکا يك جور، انگلیس خبیث يك جور، برخی از قدرتهای دیگر، هر کدام به يك نحوی؛ سازمان ملل هم با ناتوانی و بی عرضگی کامل ایستاده است و تماشا می کند! آن وقت ادعای حقوق بشر و ادعای مدنیت و ادعای مبارزه ی با تروریسم هم می کنند این منافقین دوروی سیاهدل، و خجالت هم نمی کشند. این، یکی از آن چیزهای عبرت انگیز است.

این قضیه یی که برای لبنان و به طور خاص برای شیعیان آن پیش آورده اند، برای همه ی ملتها و کشورها و فرق اسلامی ممکن است پیش بیاید؛ نمی شود به قدرتها چشم دوخت. امت اسلامی باید بتواند از خودش دفاع کند؛ باید بتواند موجودیت خود را حفظ کند.

بارها دیده شده است، امروز هم مکرراً دیده می شود، که قدرتهای مستکبر عالم، آن وقتی که پای مسلمانها در میان است، چشم بر روی هر جنایتی که علیه مسلمانها انجام شود، می بندند. این مسأله در بوسنی دیده شد، در کوزوو هم دیده شد، در افغانستان هم دیده شد، در عراق هم دیده شد، امروز هم نوبت لبنان است. فلسطین هم سالهاست که در همین وضعیت است. برای آنها شیعه و سنی و عرب و عجم تفاوت نمی کند؛ هر جا زورشان برسد، هر جا مانعی در مقابل خود نبینند، هر جا مشتی به دهان آنها نخورد، جلو می آیند. امت اسلامی و ملت‌های اسلامی باید این را درک کنند و بفهمند؛ باید خود را قوی کنند. این، يك پدیده از دو پدیده است، که حقیقتاً عبرت انگیز است و ذهن مسلمان نمی تواند از آن غافل بماند و به آن مشغول نباشد.

پدیده دوم که از این هم بدتر است، تفرقه دولتهای اسلامی است. شما ببینید قریب يك ماه است که دشمنان اسلام این طور جنایتکارانه به يك جمع مسلمان حمله می کنند - يك جنگ معمولی هم نیست؛ جنگی است سرشار و لبریز از جنایتهای جنگی، کشتار مردم بی دفاع، استفاده ی از سلاحهای ممنوع و غیرقانونی - اما دولتهای اسلامی، بخصوص برخی از دولتهای عرب، دست روی دست گذاشته اند، دارند نگاه می کنند! این اشتباه، بسیار خسارتبار است. این دولتها ملاحظه ی امریکا و ملاحظه قدرتهای استکباری را می کنند؛ اما آنها در هنگام خود، ملاحظه اینها را نخواهند کرد. دشمن هم البته فعال است و مسأله ی شیعه و سنی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمینگیر کردن امت اسلامی است. هم سنی ها بدانند، هم شیعه ها بدانند؛ همه، در ایران و در دنیای اسلام، این را بدانند که اختلاف شیعه و سنی یکی از ابزارها و چماقهای دشمن علیه امت اسلامی است. آنها هر جور بتوانند، از این ابزار استفاده می کنند. آن روزی که سنی فلسطینی زیر فشار است، يك عده ای را با این شعار، با این تبلیغات، که: اینها سنی هستند، شما شیعه هستید؛ سعی می کنند نگذارند کمک کنند. امروز که شیعه ی لبنان زیر فشار است، به يك عده ای می گویند: شما سنی هستید، اینها شیعه هستند؛ به آنها کمک نکنید. آنها نه به شیعه احترامی می گذارند، نه به سنی؛ آنها با اصل اسلام طرفند.

سم مهلك دنیای اسلام تفرقه است. این تفرقه، ملتها را از هم جدا می کند؛ دلها را از هم جدا می کند. الان دشمن، و همین سرویسهای جاسوسی اسرائیل و امریکا، در عراق يك عده ای را تحریک می کنند که با شیعیانی که در عراق اکثریت را دارند - حالا امروز اکثریت دولت متعلق به آنهاست - مقابله و مبارزه کنند؛ ناامنی ایجاد کنند؛ و این ناامنی را وسیله ای قرار می دهند برای این که پای خودشان را در عراق و در بغداد مستحکم کنند. امریکا برای ماندن در عراق بهانه لازم دارد و این بهانه، ناامنی است. آنها برای این که دولت عراق نتواند به خدمات لازم بپردازد، این اوضاع ناامن را در کشور به وجود می آورند، تا بهانه داشته باشند که بمانند. اختلافات را آنها به وجود می آورند؛ دل سنی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سنی آن چنان چرکین می کنند که نتوانند با این همه مشترکات، کنار هم قرار بگیرند. این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمی فهمیم؟ سالهای متمادی است - از زمان مرحوم آیت الله بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) و بعضی از بزرگان علمای اهل سنت در مصر - که این فکر پیدا شده که بیابید اختلافات را کنار بگذارید؛ سنی، سنی بماند؛ شیعه، شیعه بماند؛ عقاید خودتان را داشته باشید؛ اما با هم، دست در دست هم بگذارید. قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان می گوید: «تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئا». آن وقت فرقه های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله ی واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این، خیانت نیست؟ این، غرض ورزی غرض ورزان و غفلت غافلان نیست؟ هر کسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مؤاخذ است؛ چه شیعه باشد، چه سنی.

امروز دفاع از حزب الله لبنان، بر همه ی جامعه اسلامی واجب است. ما با بصیرت مسأله را نگاه می کنیم و برای ما روشن است که استکبار چه کار می کند. ما در قضیه ی فلسطین هم به همان استحکامی ایستاده ایم، که در قضیه ی

لبنان یا در قضیه ی عراق یا در قضیه ی افغانستان. ما می بینیم که استکبار امریکایی با همراهی بعضی از دولتهای خبیث اروپایی - مثل انگلیس که جزو سیاه چهره ترین دولتها و بدنام ترین آنها در این منطقه است - و با همکاری صهیونیستهای ظالم و سفاک، تصمیم دارند ریشه ی اسلام را از این منطقه براندازند؛ چون می بینند که اسلام در مقابل مطامع آنها ایستاده است. با تشکیل نظام جمهوری اسلامی و با بلند شدن پرچم اسلام در این منطقه، فهمیدند که اسلام زنده است. امروز احساسات اسلامی و تمایل برای مجاهدت در راه اسلام در همه ی کشورهای اسلامی و در تمام این سرزمین بزرگ و پهناور و حساس - از ساحل اقیانوس اطلس تا ساحل اقیانوس آرام - زنده است. مردم شمال آفریقا، مردم خاورمیانه، مردم آسیا، مردم شرق آسیا، تا هر جا مسلمانها هستند، میل به احیاء هویت اسلامی و عزت اسلامی در آنها زنده است؛ نمی توانند این را از بین ببرند؛ ولی تلاش می کنند. ما باید بیدار باشیم؛ ما باید هشیار باشیم. یک نمونه ی از ایستادگی اسلامی و مجاهدت اسلامی را شما امروز در لبنان مشاهده می کنید. این همان ارتش بی رحم جرار صهیونیستی است که یک روزی به عنوان ارتش شکست ناپذیر معروف بود و در ظرف شش روز، ارتشهای سه کشور اسلامی را شکست داد؛ اما امروز یک ماه است که با همه ی توان و با استفاده از تسلیحات امریکایی و کمک نظامی امریکا، خود را می گشد و مرتب از یک گروه مؤمن مجاهد «لا تأخذه فی الله لومة لائم»، تودهنی می خورد. این، نشان دهنده این است که امت اسلامی اگر دل به خدا بسپارد، می تواند دشمنان اسلامی را متوقف کند.

پروردگارا! شر دشمنان اسلام را از سر امت اسلامی کوتاه کن. پروردگارا! ما را با وظائف خودمان در مقابله ی با دشمنان اسلام آشنا کن. پروردگارا! وظیفه ی مجاهدت در راه خدا - آن چنان که شایسته است - و توفیق آن را به همه ی ما عنایت بفرما. پروردگارا! دلهای مسلمانان را به هم نزدیک کن؛ دستهای آنها را در هم گره کن. پروردگارا! مردم مظلوم لبنان را از شر لشکر قسی القلب و بی رحم و سنگدل دشمن نجات بده. پروردگارا! رزمندگان مجاهد «حزب الله» را در کنف حمایت خودت حفظ کن؛ آنها را منصور و مؤید بفرما. پروردگارا! عزت دنیای اسلام را روزبه روز بیشتر کن؛ ما را مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) قرار بده؛ تعجیل در ظهور آن حضرت بفرما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته